

بررسی تطبیقی سیاق از دیدگاه قرآن پژوهان معاصر

محمد رضا ستوده نیا*

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۰

سعید آخوندی یزدی**

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۲۵

سید مهدی سلطانی رنانی***

چکیده

بحث سیاق از مباحث کلیدی و زیربنایی در حوزه علوم قرآنی و اصول تفسیری است. این نقش کلیدی در حوزه‌های معارفی دیگر هم‌چون فقه و اصول نیز مطرح است. دانشمندان علوم قرآن و تفسیر، از سیاق بسیار یاد کرده‌اند و آن را مورد استناد قرار داده‌اند، ولی تعریف دقیقی از سیاق ارائه نکرده‌اند و هم‌چنین در تحقق سیاق، دو شرط ارتباط صدور و ارتباط موضوعی را بیان کرده‌اند، که به نظر می‌رسد این دو شرط باید مورد واکاوی دقیق قرار گیرد و هم‌چنین حد و مرزهای قرائن قوی‌تر در مواجهه با سیاق به عنوان شرطی دیگر مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله نویسنده تعاریف مطرح‌شده توسط دانشمندان معاصر در علوم قرآنی و اصول فقه را بیان کرده و مورد نقد و بررسی قرار خواهد داد، و دقیق‌ترین تعریف را بر می‌گزیند.

کلیدواژه‌ها: سیاق، قرآن، تفسیر، اصول فقه، سیاق مشکوک.

bayanelm@yahoo.com

* عضو هیأت علمی گروه الهیات، دانشگاه اصفهان (استادیار).

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن و حدیث قم، و دانش‌آموخته حوزه علمیه اصفهان (نویسنده مسئول).

saeidabbas@gmail.com

mehdi.1358@yahoo.com

*** دانشجوی مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان.

طرح مسأله

"سیاق" به عنوان یکی از مباحث بسیار مهم در بین قرآن پژوهان و دانشمندان علم اصول مطرح بوده، و فراوان از آن در کلمات و استدلال‌های خود استفاده کرده اند. اما بررسی‌ها نشان از آن دارد که تعریف دقیقی از سیاق صورت نگرفته است، و تعاریف موجود دارای ضعف و نقص است. از طرف دیگر برای تحقق سیاق دو شرط ارتباط صدور و ارتباط موضوعی، توسط قرآن پژوهان مطرح شده است، در حالی که این دو شرط لازم برای تحقق سیاق است و نه کافی، و بایستی شرائط دیگر به درستی ترسیم و بررسی شود و در صورت شک در تحقق این شروط، اصالت سیاق به عنوان یک راهکار مورد بررسی قرار گیرد.

در این مقاله نویسنده کوشیده است که به سؤالات زیر پاسخ دهد:

تعریف دقیق سیاق که جامع افراد و مانع اغیار باشد چیست؟

آیا دو شرط ارتباط صدور و ارتباط موضوعی در تحقق سیاق کافی است، و یا اینکه موارد

دیگری نیز برای محقق شدن سیاق لازم است؟

آیا می‌توان در صورت شک در تحقق شرائط سیاق به اصالت سیاق تمسک کرد؟

مفهوم شناسی سیاق

سیاق در لغت

سیاق از لحاظ ساختاری مصدر است و از ماده (س و ق) گرفته شده است؛/بن فارس این کلمه را اینگونه معنا می‌کند: «السين و الواو و القاف أصل واحد، و هو حَدُّ الشَّيْءِ؛ سین و واو و قاف ریشه واحد دارد و آن راندن چیزی با آواز است»(ابن فارس، بی تا: ۳/۱۱۷).

راغب در «مفردات» می‌گوید: «سَوَّقُ الإِبِلِ: جلبها و طردها؛ سوق الإبل یعنی کشاندن و راندن شتر»(راغب اصفهانی، بی تا: ۴۳۶/۱). از میان قرآن پژوهان معاصر علامه مصطفوی در «التحقیق» می‌نویسد: این کلمه دارای ریشه واحد است و آن در معنا یا لفظ «حَثَّ عَلَى سِيرِ مَنْ خَلْفَ» می‌باشد(مصطفوی، بی تا: ۲۷۱/۵).

«سیاق کلام» را به «در پی هم آمدن سخن و اسلوب و طرز جمله بندی آن» معنا

کرده‌اند(معجم الوسیط، ۱۳۹۲ق: ۱/۴۳۹).

نقد و بررسی تعریف اصطلاحی سیاق

دانشمندان علوم قرآنی و هم‌چنین علمای فقه و اصول بسیار از سیاق سخن گفته‌اند به طوری که استناد به سیاق، چه در بین مفسران و چه در بین فقیهان و اصولیان در اوج خود قرار دارد، اما دانشمندان این علوم، تعریف دقیقی از سیاق ارائه نکرده‌اند و در اندک تعریف‌های ارائه شده، کاستی‌هایی به چشم می‌خورد که با موارد استعمال این واژه در آثار دانشمندان سازگاری ندارد. در این مجال به برخی تعاریف و موارد استعمال شده، توسط دانشمندان اصول و تفسیر اشاره کرده و به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود و در نهایت دقیق‌ترین تعریف بیان خواهد شد.

سیاق از منظر دانشمندان علم اصول

دانشمندان علم اصول استنادات فراوانی به سیاق کرده‌اند، به طوری که مثال‌های فراوانی در کتاب‌های اصولی می‌توان یافت به عنوان نمونه آیت *الله خویی* (خویی، ۱۴۲۲، ق: ۵۵۱/۱) استنادات فراوانی به سیاق کرده‌اند. ایشان در مباحث واجب تعدی و توسلی به مناسبت از سیاق استفاده می‌کند. حضرت امام نیز در «تنقیح الاصول» (خمینی، ۱۴۱۸، ق: ۱۵۴/۳) به سیاق استناد می‌کند؛ برای مثال ایشان در بحث ادله قول به براءت در شبهات حکمیة، از آیه: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ استفاده می‌کند و می‌نویسد: «آیه در سیاق آیات مربوط به روز قیامت است، بنابراین منظور از عذاب، عذاب اخروی است» در حالی که مرحوم نائینی (نائینی، ۱۴۱۸، ق: ۳۳۳/۳) بدون در نظر گرفتن سیاق آیات عذاب را عذاب دنیوی گرفته‌اند. بسیاری دیگر از دانشمندان اصولی نیز سیاق را مورد استناد قرار داده‌اند که خوانندگان را به کتاب‌های اصولی ارجاع می‌دهیم (مشکینی، ۱۴۱۳، ق: ۳۱۹/۱؛ بروجرودی، ۱۴۱۷، ق: ۳۷۵/۲؛ اصفهانی، ۱۴۱۷، ق: ۱۸/۳).

نکته حائز اهمیت اینکه با وجود استفاده زیاد از قرینه سیاق، کم‌تر دانشمندی پا به عرصه تعریف از سیاق نهاده، و آن را به طور دقیق تعریف کرده است و تنها در بین دانشمندان معاصر شهید صدر تعریفی ارائه کرده است، و در بین معاجم اصولی نیز تعاریفی شبیه آن صورت گرفته است. نویسنده در این مجال تعاریف صورت گرفته در کتب اصولی را ذکر کرده و به نقد و بررسی آن می‌پردازد.

تعریف سیاق از منظر شهید صدر و نقد آن

از میان خیل علمای اصولی شهید سیدمحمد باقر صدر تعریفی از سیاق، بدین بیان ارائه کرده است:

«و نرید بالسیاق کل ما یکتنف اللفظ الذی نرید فهمه، من دوالّ آخری سواء کانت لفظیة کالکلمات التی تشکل مع اللفظ الذی نرید فهمه کلاما واحدا مترابطا، او حالیه کالظروف و الملابسات التی تحیط بالكلام و تكون ذات دلالة فی الموضوع» (صدر، ۱۴۱۸ ق: ۱/۱۰۳).

«مقصود ما از سیاق هرگونه دلیل دیگری است که به الفاظ و عباراتی که می‌خواهیم آن‌ها را بفهمیم، پیوند خورده است؛ خواه از مقوله الفاظ باشد، مانند کلمه‌های دیگری که با عبارت مورد نظر یک سخن به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند، خواه قرینه حالیه باشد، مانند اوضاع و احوال و شرایطی که سخن در آن اوضاع و احوال مطرح شده است و در فهم موضوع و مفاد لفظ مورد بحث، نوعی روشنگری دارد».

عمده مشکل تعریف شهید صدر این است که گستره تعریف را آنقدر فراخ گرفته که تمام زمینه‌ها، شرایط مکانی و زمانی و قرینه ویژگی‌های متکلم، مخاطب و حتی فضای نزول، قرینه مقام، و قرینه اسباب نزول را نیز شامل می‌شود. در حالی که سیاق در آثار دانشمندان یکی از قرینه‌های پیوسته لفظی می‌باشد و نه مجموع همه آن‌ها.

نکته قابل تأکید آنکه قرینه سیاق هم در کلام معصومین علیهم السلام و هم در آثار دانشمندان به عنوان یکی از قرائن پیوسته لفظی به کار رفته است، و نمونه‌های فراوانی برای آن قابل ذکر است که به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنیم؛ برای مثال زمانی که زهری به /امام سجاد(ع) می‌گوید: شما جهاد و دشواری‌های آن را وانهاده‌اید و به حج که به آسانی در خور انجام است روی آورده‌اید؛ با اینکه خداوند می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ... وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه/۱۱۱)

/امام به او فرمود: «آیه بعدی را نیز بخوان:

﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ

النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه/۱۱۲)

امام فرمود: «هر گاه یافتیم کسانی را که این اوصاف را دارند، جهاد همراه با آنها با فضیلت‌تر از حج است». در این مثال امام سیاق را به عنوان یکی از قرائن پیوسته لفظی به کار برده‌اند.

تعریف سیاق در معاجم اصولی

در معاجم اصولی که بیش‌تر آنها در دهه‌های اخیر منتشر شده‌اند تعاریف دقیقی از سیاق بیان نشده است (ر.ک: حسینی، ۲۰۰۷م: ۱/۱۸۵)، و بیش‌تر آنها یا از کلمه سیاق را در معجم ذکر نکرده‌اند و یا اگر تعریفی از سیاق بیان کرده‌اند با تعریف طرح شده توسط شهید صدر دارای شباهت بسیار است. برای نمونه به بررسی یکی از این تعاریف می‌پردازیم و دیگر تعاریف را به خاطر شباهت زیاد ذکر نخواهیم کرد.

در یکی از معاجم اصولی که بدری تحسین آن را گردآوری کرده سیاق کلام را اینگونه تعریف می‌کند:

«اسلوب الکلام، و یراد منه جميع الدوال من القرائن التي تكتنف باللفظ، اللفظية منها و الحالية (بدری، ۱۴۲۸ ق: ۱۶۰)؛ «هر آنچه از قرائن که با لفظ پیوند خورده، حال خواه لفظیه و خواه حالیه باشد».

همان‌طور که مشخص است این تعریف شباهت زیادی به تعریف شهید صدر دارد، و بالطبع مشکلات آن تعریف را هم‌چون گستردگی در خود جای داده است و به بیان دیگر تعریف مذکور مانع اغیار نیست، چراکه علاوه بر قرائن لفظیه شامل قرائن حالیه است.

سیاق از منظر قرآن‌پژوهان معاصر

دانشمندان علم تفسیر و علوم قرآنی در قرون گذشته، آنچنان سیاق را مورد استناد قرار نداده‌اند، و هم‌چنین تعریفی از سیاق ذکر نکرده‌اند برای مثال شیخ طوسی تنها یازده بار از سیاق در «التبیان» استفاده کرده است (ر.ک: طوسی، بی تا: ۱/۲، ۲/۹۲، ۳/۱۵۹، ۳/۵۷۵، ۳/۷۷، ۳/۲۴۵، ۳/۲۶۶)، و یا مرحوم طبرسی در «مجمع البیان» فقط چهار بار سیاق را مورد استناد قرار داده (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲/۸۲۲، ۲/۸۳۲، ۵/۳۵۳، ۸/۷۰۲)، و طبری تقریباً هیچ استفاده‌ای از سیاق نکرده است. این در حالی است که هرچه به عصر کنونی نزدیک می‌شویم استفاده از سیاق

بیش تر می شود مثلاً علامه طباطبایی بیش از دو هزار بار سیاق را مورد استناد قرار داده اند (ر.ک: طباطبایی: ۱۱۱/۱، ۱۲۷/۱، ۴/۲، ۵/۲، ۱۷۹/۱۱۸، ۳/۳، ۵۰/۴)، و یا سید قطب بیش از سیصد بار سیاق را در تفسیر خود به کار برده اند (ر.ک: سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۷/۱، ۳۱/۱، ۸۰/۱، ۶۱۹/۲، ۶۴۲/۲، ۱۰۶۰/۲، ۱۰۹۳/۲). ولی اندک دانشمندی در این عرصه دست به تعریفی جامع و کامل از سیاق زده است. در اینجا تعدادی از تعاریف بیان شده از سیاق را که توسط دانشمندان معاصر صورت گرفته بیان کرده به نقد و بررسی آن می پردازیم.

تعریف سیاق از منظر آیت الله معرفت و نقد آن

آیت الله معرفت در تعریف سیاق اینگونه می نویسد:

«کان القرآن نزل نجوما و فی فترات لمناسبات قد یختلف بعضها عن بعض و کانت کل مجموعه من الايات تنزل لمناسبة تخصها تستدعی وجود رابط بينها بالذات، و هو الذی یشکل سیاق الایة فی مصطلحهم» (معرفت، ۱۳۰۹: ۵/۲۳۹).

قرآن به تدریج در مناسبت های مختلف نازل گردید و گاهی مجموعه ای از آیات به مناسبتی مخصوص نازل می گردید، که لازمه آن وجود ارتباطی ذاتی بین آن مجموع آیات است، این ارتباط را در اصطلاح سیاق آیه می گویند.

تعریف مذکور دارای ابهام است چراکه اولاً محدوده ارتباط ذاتی بین آیات بیان نشده، و در این صورت هم قرینه حالیه و هم قرینه لفظیه را شامل می شود، و ثانیاً فصل منطقی تعریف که همان قرائن پیوسته لفظی است و شامل کلمات، جملات و یا آیات می شود در این تعریف دیده نمی شود. بنابراین تعریف مذکور از طرفی جامع افراد است چراکه با بیان ارتباط ذاتی بین آیات تمام قرائن وارد تعریف می شود، ولی مانع اغیار نیست زیرا با بیان قرائن پیوسته لفظی محدوده تعریف را ضیق نکرده است.

تعریف سیاق از دیدگاه دیگر قرآن پژوهان

محمدعلی گرامی سیاق را اینگونه تعریف می کند:

«معمولاً در گفت و شنودهای متعارف قرائن صدر و ذیل عبارت معنای خاصی به جمله می‌دهد، و منظور را محدود می‌کنند و این معنا در اصطلاح معمولی سیاق و مساق خواننده می‌شود» (گرامی، بی تا: ۵۱).

در تعریف ایشان لفظ «قرائن» به طور مطلق بیان شده، و باید این مشخص شود منظور ایشان از قرائن، قرائن غیر لفظی نیز هست یا خیر، در صورتی که ایشان قرائن غیر لفظی را در تعریف لحاظ کرده باشند، تعریف گسترده شده و با موارد استعمال این واژه در آثار دانشمندان سازگاری نخواهد داشت.

محمدحسن ربانی می‌نویسد: «سیاق همان قرینه مقالیه یا مصداقی از آن یا نشانه درون‌متنی است، که ترکیب صدر و ذیل کلام، شکل‌دهنده آن خواهد بود» (ربانی، ۱۳۸۰ش: ۳۲۲).

ایشان تعریف ضیق‌تری را ارائه کرده‌اند و در سیاق توجه به قرینه مقالیه و لفظیه بیش‌تر است، بنابراین هماهنگی و دقت در این تعریف بیش‌تر به چشم می‌خورد. با توجه به مباحث مذکور این مطلب آشکار می‌شود که بسیاری از تعاریف مطرح‌شده چه در بین دانشمندان علم اصول و چه در میان دانشمندان علوم قرآنی و تفسیر، دارای ضعف‌هایی است که مهم‌ترین آن‌ها گستردگی تعریف بود؛ به طوری که هم شامل قرائن حالیه و هم شامل قرائن لفظیه می‌شد و در یک کلام اکثر تعاریف مذکور مانع اغیار نبود و اصول فصل منطقی در آن رعایت نشده بود. بنابراین به نظر می‌رسد تعریفی از سیاق، که از اشکالات مذکور مبری است بدین صورت است: «سیاق ساختار کلی و فضای معنایی است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و یا آیات سایه می‌افکند و بر معنای واژه یا عبارت اثر می‌گذارد».

در این تعریف چند نکته رعایت شده است؛ اول تعریف اینکه جامع افراد خود است بدین معنا که فقط قراین پیوسته لفظی را پوشش می‌دهد و این با موارد استفاده دانشمندان علوم قرآنی تناسب دارد، دوم اینکه مانع اغیار است بدین معنا که مانند برخی تعاریف فوق، تعریف آنقدر فراخ گرفته نشده که تمام زمینه‌ها، شرایط مکانی و زمانی و قرینه ویژگی‌های متکلم، مخاطب و حتی فضای نزول، قرینه مقام، و قرینه اسباب نزول را نیز شامل می‌شود.

شرایط تحقق سیاق

تحقق سیاق و توجه به قرینه بودن آن نیاز به شرائطی دارد که فقط با احراز آن شرائط، سیاق جاری خواهد شد. مطلب بیان شده قاعده‌ای کلی و عام برای هر سخنی می‌باشد چه کلام خداوند متعال در قرآن کریم، چه روایات معصومین علیهم السلام و یا هر سخن دیگری باشد. در مباحث قرآنی غالب قرآن پژوهان دو شرط را در تحقق سیاق مطرح کرده‌اند که یکی ارتباط صدوری و دیگری ارتباط موضوعی است. اگرچه این دو از شرائط لاینفک در تحقق سیاق است ولی به نظر می‌رسد شرط دیگری نیز در تحقق سیاق وجود دارد، که در بیش‌تر کتب علوم قرآنی ذکر نشده و به طور منسجم تبیین نشده است؛ و آن عدم تعارض سیاق با قرینه قوی‌تر است. در این مجال به نقد و بررسی این سه شرط در تحقق سیاق می‌پردازیم.

ارتباط صدوری یا پیوستگی در نزول

منظور از ارتباط صدوری آن است که جملات با پیوستگی، و به طور متناسب و متقارن از طرف متکلم بیان شود، فلذا سیاق هنگامی قرینه است که جملات در کنار هم قرار گیرند و به طور جدا افتاده و از هم گسیخته نباشند.

دانشمندان علوم قرآنی بر این امر متفق‌اند که ارتباط صدوری یکی از شرائط اصلی در تحقق سیاق است، و این را نیز تصریح می‌کنند که این شرط زمانی قابل اثبات است که همه آیات قرآن به همین ترتیبی که اکنون در مصحف است، یکجا و با هم نازل شده باشد و متذکر می‌شوند در صورت عدم اثبات، برای فهم آیات نمی‌توان به سیاق تکیه کرد (رجبی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

برخی دیگر از نویسندگان نیز این مطلب را اینگونه بیان کرده‌اند: از شرائط تحقق سیاق واقعی جمله‌ها و آیه‌ها ارتباط صدوری یا پیوستگی در نزول است؛ یعنی جمله‌ها و آیه‌هایی که در قرآن کریم در کنار هم قرار گرفته‌اند، در صورتی سیاق آن‌ها واقعی است و در فهم معنا و تفسیر آیات می‌توان از آن استفاده کرد که احراز شود پیوسته به هم از جانب خدای متعال نازل شده‌اند، و همه آن‌ها پیرامون یک موضوع و برای افاده یک مطلب باشند (بابایی، بی تا: ۲/۲۸۱).

ارتباط موضوعی و محتوایی جملات

شرط دوم تحقق سیاق جمله‌ها آن است که جمله‌ها با هم ارتباط موضوعی و مفهومی داشته باشند، و همه آن‌ها پیرامون یک موضوع و برای افاده یک مطلب صادر شده باشند. ملاک قرینه‌بودن سیاق، معقول نبودن صدور جمله‌های بی‌ارتباط و نامتناسب از گوینده دانا در مجلس واحد است و این ملاک تنها در جمله‌هایی محقق است که همه آن‌ها درباره موضوعی واحد و برای بیان مطلبی واحد باشند.

در بین قرآن پژوهان ارتباط موضوعی و محتوایی جملات مسلم دانسته شده است، که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

یکی از قرآن پژوهان اینگونه بیان می‌کند که یکی از شرایط بهره‌گیری از قرینه سیاق در فهم قرآن، وحدت موضوع جمله‌های قبل و بعد آیه مورد تفسیر می‌باشد و پیش از هر چیز باید به دنبال احراز ارتباط موضوعی آیات در کنار هم قرار گرفته برآییم (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۲۳/۲).

قرآن پژوهی دیگر نیز تحقق سیاق را به ارتباط موضوعی جمله‌ها می‌داند، و متذکر می‌شود که همه جملات باید پیرامون یک موضوع و برای افاده یک مطلب صادر شده باشند. به نظر ایشان ملاک قرینه بودن سیاق، معتدل نبودن صدور جمله‌های بی‌ارتباط و نامتناسب از گوینده دانا در مجلس واحد است. بنابراین سیاق تنها در جمله‌هایی محقق است که همه آن‌ها درباره موضوعی واحد و برای بیان مطلبی واحد باشند (رجبی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

برخی دیگر نیز در سخنانی مشابه وحدت موضوع را به عنوان یکی از شرائط اصلی در سیاق مطرح کرده‌اند (بابایی، ۱۳۸۱: ۲/۲۸۱، رضایی، ۱۳۸۷: ۱/۴۲۹).

عدم تعارض سیاق با قرینه قوی‌تر

قرائن زیادی ممکن است با قرینه سیاق معارضه کند که برخی از آن‌ها همچون روایات ظنی و معنای لغوی از باب قرینه ظنی، و برخی دیگر همچون آیات محکم قرآن، روایات قطعی و دلیل قطعی عقلی از باب قرینه قطعیه هستند، و سؤال مطرح شده این است که هنگام مواجهه قرینه سیاق با قرائن ظنی و قطعی دیگر کدام یک بر دیگری مقدم خواهد شد که در اینجا این تعارضات را بررسی خواهیم کرد.

تعارض سیاق با قرائن دیگر

به طور کلی تعارض سیاق با قرائن دیگر به دو صورت قابل تقسیم است: یکی تعارض سیاق با قرائن قطعی و دیگری تعارض سیاق با قرائن ظنی (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ش: ۱/۴۳۱)، که به ترتیب موارد آن را بیان می‌کنیم.

۱. تعارض سیاق با قرائن قطعی

در شرائط تحقق گاهی سیاق با قرائن قطعی یعنی آیات محکم، دلیل قطعی عقلی و روایات متواتر یا محفوف به قرائن معارضه می‌کند که در ذیل حکم هر کدام بیان شده است.

۱. تعارض سیاق با آیات محکم قرآن: در این مورد آیات متشابه به آیات محکم ارجاع داده و بر اساس آن‌ها تفسیر می‌شود؛ یعنی دلیل قطعی مقدم می‌شود و سیاق که دلیل ظنی است کنار می‌رود.

۲. تعارض سیاق با دلیل قطعی عقلی: در این صورت نیز دلیل عقلی قطعی بر سیاق ظنی مقدم خواهد شد. برای مثال:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُتَابِعُونَكَ إِنَّمَا يُتَابِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...﴾ (فتح/۱۰)

که واژه «ید» بر اساس سیاق صدور و ذیل آیه "فوق ایدیهم" (بالای دست‌های آنان) به معنای دست ظاهری جسمی است؛ اما با توجه به برهان عقلی که خدا جسم نیست یا آیه محکم ﴿... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ...﴾ (شوری/۱۱) واژه «ید» به معنای دست معمولی نیست بلکه کنایه از قدرت و مانند آن است.

۳. تعارض سیاق با روایت قطعی (متواتر یا محفوف به قراین) که از معصوم صادر شده باشد، که در این صورت نیز روایت قطعی مقدم می‌شود و سیاق ظنی کنار گذاشته می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ش: ۱/۴۳۱).

برای مثال در مورد جمله ﴿... إِنَّمَا يَرِيْدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب/۳۳) می‌توان گفت که ارتباط صدور بین قبل و بعد این جمله وجود ندارد؛ چون لحن آیه و خصوصیات الفاظ و ضمائر مذکر و مؤنث متفاوت است قبل و بعد آن، مربوط به همسران پیامبر و این بخش از آیه مربوط به افراد دیگری است که مردان آن‌ها بیش‌تر از زنان

بوده‌اند، که بر اساس احادیث مربوط به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند.

ب. تعارض سیاق با قرائن ظنی

گاهی نیز سیاق با قرائن ظنی همچون معنای لغوی و یا روایات ظنی معارضه خواهد کرد، که در ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. معارضه سیاق با معنای لغوی: در این صورت سیاق مقدم است، زیرا استعمالات لغوی نمی‌تواند وضع اصلی لغت را اثبات و با ظهور استعمالی دیگری را نفی کند. به عنوان مثال معنای واژه دین در آیه ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ (فاتحه/۴)؛ با توجه به اضافه شدن واژه «مالک» به «یوم» و «یوم» به «دین»، در معنای «جزا» ظهور پیدا می‌کند؛ در حالی که در قرآن این واژه به معنای دیگری همچون «آیین» نیز آمده است و یاد آیه ﴿... كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ ...﴾ (یوسف/۷۶) به معنای آیین یا قانون معنا شده است.

۲. تعارض سیاق با روایت ظنی: در مورد حجیت اخبار آحاد در تفسیر، چند دیدگاه وجود دارد. اگر کسی خبر واحد را در تفسیر حجت نداند در هر صورت سیاق بر آن مقدم است، و اگر کسی خبر واحد را در تفسیر حجت بداند، در این صورت از آنجا که سیاق دلیل ظنی است و روایات آحاد نیز ظن آور هستند. بنابراین هنگام تعارض، لازم است که براساس ظن قوی‌تر آیه تفسیر شود یا در صورت تساوی به قرائن دیگر مراجعه کنیم و یکی از دو دلیل ظنی را ترجیح دهیم (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ ش: ۴۳۲/۱).

سیاق مشکوک

بر اساس مطالب پیشین در مواردی که پیوستگی در نزول و ارتباط موضوعی آیات کریمه (به خودی خود یا با توجه به مفاد آیات، نوع بیان، مقام کلام، روایات شأن نزول و مانند آن) معلوم باشد، سیاق معتبر محقق است و باید به آن ترتیب اثر داد و در مواردی که استقلال در نزول، یا معترضه بودن جمله، یا آیه و یا آیاتی از قرآن کریم به خودی خود آشکار باشد و یا به دلایل معتبری اثبات شود، در آن موارد نباید به سیاق تمسک کرد، ولی در مواردی که پیوستگی در نزول

یا ارتباط موضوعی آیات محتمل باشد و وجود یا عدم آن از راه‌های یادشده آشکار نگردد، برخی «اصالة السیاق» را راه حلی کلی می‌دانند که در این قسمت به بررسی آن می‌پردازیم.

اصالت سیاق از دیدگاه قرآن پژوهان

برای مثال آیت *الله* معرفت بر آن است که اصالة السیاق حاکم است. وی می‌نویسد: «سزاوار است که در آیات از «اصالة السیاق» غافل نماییم، زیرا سیاق به حسب طبیعت اولی آیات محفوظ است؛ به این معنا که اصل اولی بنا گذاشتن بر این است که ترتیب فعلی، همان ترتیب نزول است، مگر خلاف آن با دلیل ثابت گردد، که آن هم جز در موارد اندکی ثابت نیست و در موارد اندکی هم که [چینش آیات] بر خلاف جایگاه اصلی آن ثابت شده، چون به فرمان و ارشاد نبی *اکرم صلی الله علیه و آله و سلم* بوده است، ناچار در آن موارد، مناسبتی لحاظ شده و همان در حکمت سیاق کافی است» (معرفت، ۱۳۰۹ق: ۱/۲۸۰).

برخی دیگر از نویسندگان در این مورد نوشته‌اند: «در مواردی که رعایت ترتیب نزول شده، سیاق محفوظ است و در مواردی که برخلاف ترتیب نزول گردآوری شده، به دستور پیامبر(ص) و مورد تأیید ائمه معصومین علیهم السلام است، و با توجه به ارجاع و تشویق پیامبر و ائمه علیهم السلام به استفاده از قرآن موجود در میان مسلمانان و در نظر گرفتن این نکته که مردم قرآن موجود را با توجه به سیاق، در همه موارد مگر جایی که عدم سیاق را احراز کنند می‌فهمند و هیچ هشدار یا منعی از سوی ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به در نظر گرفتن سیاق در همه موارد صادر نشده است، می‌توان نتیجه گرفت که وجود سیاق در کل آیات قرآن مگر مواردی که دلیلی بر عدم آن داشته باشیم ثابت است و این به معنای اصالت سیاق است (بابایی، بی تا: ۱۴۲).

نقد دیدگاه آیت الله معرفت و دیگر نویسندگان

به طور کلی دلائلی که توسط علما بر اصالت داشتن سیاق مطرح شده است، در موارد زیر خلاصه می‌شود که به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۱. اصالت رعایت ترتیب نزول

آیت‌الله معرفت و برخی دیگر از قرآن‌پژوهان رعایت ترتیب نزول را به عنوان اصل اولی پذیرفته‌اند، در حالی که واضح است منظور از اصل رعایت ترتیب نزول اصلی عقلی و بدیهی و یا شرعی و برگرفته از آیات و روایات نیست، و اینکه آیا می‌توان گفت رعایت ترتیب نزول اصلی عقلایی است به طوری که رویه عقلا در جمع‌آوری صحبت‌های یک گوینده، تنظیم کردن آن‌ها به ترتیب صدور از گوینده می‌باشد؟ به نظر می‌رسد معیارهای مختلفی در اینگونه موارد وجود دارد که در متون مختلف، هر یک از آن‌ها که مناسب‌تر به نظر می‌رسد، اعمال می‌شود و باید گفت روایات ناظر به شأن نزول آیات و گردآوری قرآن نشان می‌دهد، در خصوص قرآن چنین معیاری به عنوان یک اصل مد نظر گردآوری کنندگان آیات نبوده است و گزارش‌های تاریخی نیز در این باره دیده نمی‌شود.

ممکن است مستشکلی بگوید اصالت سیاق یک اصل عقلایی است بدین صورت که وقتی در بیش‌تر موارد یک شی‌دارای ویژگی خاصی باشد موارد مورد تردید را نیز همانند بیش‌تر موارد به شمار می‌آورند (موارد اقل را حمل بر اکثر می‌کنند). به بیان دیگر بیش‌تر آیات پیوستگی در نزول دارد و در گردآوری قرآن ترتیب نزول رعایت شده است و موارد اندک مشکوک، حمل بر اکثر موارد می‌شود و نهایتاً سیاق قابل تحقق است. به نظر می‌رسد این استدلال کامل نیست چراکه پیوستگی غالب آیات قرآن در نزول و رعایت آن ترتیب در قرآن موجود، ثابت نیست و عقلایی بودن الحاق موارد اندک به موارد کثیر بی‌دلیل است بلکه سیره عقلا در چنین مواردی عدم تکیه بر سیاق و توقّف است.

بنابراین می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که اصل اولی مبنی بر رعایت ترتیب نزول مورد تردید است، اگرچه در هنگام مقایسه با اصل عدم رعایت ترتیب نزول، اصل ترتیب نزول دارای برتری و رجحان است.

۲. تأیید تشویق ائمه معصومین (ع) به رجوع به قرآن کنونی

دلیلی که در این مورد اقامه می‌شود بدین صورت است که مردم هنگام مراجعه به قرآن و فهم و تفسیر آیه‌ها، به دلیل کنار هم قرار گرفتن آیه‌ها و جمله‌ها، آن‌ها را با هم مرتبط دانسته و در

فهم آیه‌ها، سیاق را در نظر می‌گیرند. تشویق ائمه(ع) به رجوع به قرآن مؤید این است که این ترتیب و سیاق حاصل از آن، مورد نظر آنان است و إلا باید هنگام تشویق به مراجعه و فهم، نسبت به فقدان یا عدم اعتبار سیاق به طور کلی و یا فی الجمله هشدار می‌دادند و یا مردم را در رجوع به قرآن کنونی ترغیب نمی‌کردند تا مردم هنگام رجوع به آیات گمراه نشوند.

برخی از دانشمندان علوم قرآنی این استدلال را نمی‌پذیرند، و اینگونه بیان می‌کنند که تأیید و تشویق ائمه(ع) در خصوص رجوع به قرآن و فهم و بهره‌گیری از آن، تنها بر هدایتگری و عدم تحریف قرآن کنونی دلالت دارد و بر مدعای یادشده هیچ‌گونه دلالتی ندارد، و هیچ دلیلی ملازمه‌ای بین تأکید و تشویق در خصوص رجوع به قرآن و اصالت سیاق در دست نیست؛ زیرا چه بسا امامان معصوم(ع) به جهت آنکه مراجعه‌کننده به قرآن قدرت بازشناسی موارد دارای سیاق از موارد فاقد سیاق را دارد و با توجه به تشخیص خود، در این زمینه دچار گمراهی نمی‌شود، نسبت به فقدان سیاق در موارد خاص هشدار نداده‌اند(بابایی، بی تا: ۱۴۲).

به نظر می‌رسد دلیل بیان شده ناتمام است چراکه علت تشویق ائمه علیهم السلام برای رجوع به قرآن صرفاً برای هدایتگری و عدم تحریف قرآن نبوده است، و قطعاً اغراض دیگری در ترغیب و تشویق ائمه به رجوع قرآن وجود دارد که یکی از آن‌ها را می‌توان اصالت سیاق دانست و اگرچه دلالت مطابقی بر وجود اصالت سیاق در کلام معصوم وجود ندارد، ولی دلالت التزامی کلام معصوم بیانگر توجه به اصل سیاق در صورت تردید است.

به نظر می‌رسد اصالت ترتیب نزول که به عنوان یک اصل اولی توسط برخی علماء بیان شده است قابل قبول نیست، چراکه اصل رعایت ترتیب نزول اصلی عقلی و بدیهی و یا شرعی و برگرفته از آیات و روایات نیست؛ چنین معیاری به عنوان یک اصل مد نظر گردآوری کنندگان آیات نبوده است و گزارش‌های تاریخی نیز در این باره دیده نمی‌شود، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اصل اولی مبنی بر رعایت ترتیب نزول مورد تردید است اگرچه در هنگام مقایسه با اصل عدم رعایت ترتیب نزول، اصل ترتیب نزول دارای برتری و رجحان است.

درباره دلیل دوم نیز باید گفت علت تشویق ائمه علیهم السلام برای رجوع به قرآن صرفاً برای هدایتگری و عدم تحریف قرآن نبوده است، و قطعاً اغراض دیگری در ترغیب و تشویق ائمه به رجوع قرآن وجود دارد که یکی از آن‌ها را می‌توان اصالت سیاق دانست و اگرچه دلالت مطابقی بر

وجود اصالت سیاق در کلام معصوم وجود ندارد ولی دلالت التزامی کلام معصوم بیانگر توجه به اصل سیاق در صورت تردید است.

بنابراین در مجموع می‌توان نتیجه گرفت با وجود ضعف دلایل فوق، ولی به این خاطر که رعایت ترتیب نزول در مقایسه با اصل عدم رعایت ترتیب نزول دارای برتری و رجحان است؛ و همچنین دلالت التزامی کلام معصوم بیانگر توجه به اصل سیاق است فی الجمله اصالت سیاق اثبات می‌شود.

نتیجه بحث

سیاق از مباحث بسیار مهم در عرصه تفسیر و علوم قرآن است، و بسیاری از علمای علم اصول نیز فراوان از سیاق سخن گفته‌اند، به طوری که استناد به سیاق، چه در بین مفسران و چه در بین فقیهان و اصولیان بسیار زیاد دیده می‌شود، اما دانشمندان این علوم، تعریف دقیقی از سیاق ارائه نکرده‌اند و در اندک تعریف‌های ارائه شده، کاستی‌هایی به چشم می‌خورد که با موارد استعمال این واژه در آثار دانشمندان سازگاری ندارد. برخی از تعاریف ارائه شده بسیار گسترده است به طوری که همه قرائن حالیه و لفظیه را شامل می‌شود در حالی که محدوده استعمال این واژه در آثار دانشمندان بیش‌تر از قرائن لفظیه تجاوز نمی‌کند. برخی از بیانات در تعریف سیاق نیز دارای ابهام است و حد و مرزها را دقیقاً بیان نمی‌کند بود. بنابراین به نظر می‌رسد تعریفی از سیاق که از اشکالات مذکور مبری است بدین صورت است: «سیاق ساختار کلی و فضای معنایی است که بر مجموعه‌ای از کلمات، جملات و یا آیات سایه می‌افکند و بر معنای واژه یا عبارت اثر می‌گذارد».

تحقق سیاق و توجه به قرینه بودن آن نیاز به شرائطی دارد که فقط با احراز آن شرائط، سیاق جاری خواهد شد. ارتباط صدوری، ارتباط موضوعی و عدم تعارض سیاق با قرینه قوی‌تر، سه شرطی هستند که در تحقق سیاق لازم است. در این میان وجود دو شرط ارتباط صدوری و ارتباط موضوعی در بین دانشمندان علوم قرآنی مسلم گرفته شده است و اختلافی در آن مشاهده نمی‌شود، این در حالی است که شرط سوم در بسیاری از کتب تصریح نشده و در برخی دیگر به طور پراکنده بیان شده است.

در مواردی که پیوستگی در نزول یا ارتباط موضوعی آیات محتمل باشد و وجود یا عدم آن از راه‌های یادشده آشکار نگردد، «اصالة السياق» راه حلی کلی است. اصالت رعایت ترتیب نزول و تأیید تشویق ائمه معصومین (ع) به رجوع به قرآن کنونی، دلائلی است که برای اثبات اصالت سیاق بیان شده است. اگرچه این دو دلیل دارای ضعف‌های است ولی فی الجمله اصالت سیاق را اثبات می‌کند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد بن فارس. بی تا. **معجم مقاییس اللغة**. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. بی تا. **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- بابایی، علی اکبر. ۱۳۸۱ ش. **مکاتب تفسیری**. تهران: سمت.
- بدری، تحسین. ۱۴۲۸ ق. **معجم مفردات أصول الفقه المقارن**. تهران: المشرق للثقافة و النشر.
- بروجردی، حسین. ۱۴۱۷ ق. **تقریرات فی أصول الفقه**. قم: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- جمعی از نویسندگان. ۱۳۹۲ ق. **معجم الوسیط**. بیروت: المکتبه الاسلامیه.
- راغب اصفهانی. حسین بن محمد. بی تا. **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت: دار القلم.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. ۱۳۸۷ ش. **منطق تفسیر قرآن**. قم: جامعه المصطفی.
- حسینی، محمد. ۲۰۰۷ م. **الدلیل الفقہی تطبیقات فقہیة لمصطلحات علم الأصول**. دمشق: مرکز ابن ادريس الحلی للدارسات الفقہیة.
- خوبی، ابوالقاسم. ۱۴۲۲ ق. **محاضرات فی أصول الفقه**. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی قدس سره.
- خمینی، روح الله. ۱۴۱۸ ق. **تنقیح الأصول**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مشکینی اردبیلی، ابوالحسن. ۱۴۱۳ ق. **کفاية الأصول با حواشی مشکینی**. قم: بی تا.
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۰ ش. **قرآن شناسی**. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن. بی تا. **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. بیروت: دار الکتب العلمیه مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- معرفت، محمد هادی. ۱۳۰۹ ق. **التمهید فی علوم القرآن**. قم: مهر.
- صدر، محمدباقر. ۱۴۱۸ ق. **دروس فی علم الأصول**. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- گرامی، محمدعلی. بی تا. **درباره شناخت قرآن**. قم: نشر روح.
- اصفهانی، محمد حسین. ۱۴۱۷ ق. **بحوث فی الأصول**. قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
- سید بن قطب. ۱۴۱۲ ق. **فی ظلال القرآن**. بیروت: دار الشروق.

طوسی، محمد بن حسن. بی تا. **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مقالات

موسوی، سید رضا و میثم تارم. بهار ۱۳۹۰. «تفسیر المیزان و معیارهای نقد». فصلنامه مطالعات قرآنی.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت. دوره ۲. شماره ۵. صص ۱۷۳-۱۹۰.